

محرم ۱۴۴۴ استاد علیدوست

عاشورا به مثابه یک دانشگاه پردیس جلسه ۵

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله و على آله المعصومين و لعنة الله على اعدائهم  
الغاصبين الظالمين

الهم كن لوليک الحجة الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل الساعة ولیا و حافظا وقائدا  
و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

اللهم عجل لوليک الفرج....

خداوند بزرگ فرج عزیزش را معجل گرداند و وجود نازنینش را از هر گزندی مصون و محفوظ بدارد و ما را  
از انصار و شهیدان در رکابش قرار دهد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد ....

نکته ای را که امشب می خواهم محضرتان عرض کنم این که هیچ زمانی حکم خدا با رعایت نکردن دیگران  
سبک نمی شود؛ ما وقتی وضعیت کوچه و خیابان را می بینیم ، حالت خوبی را نمی بینیم ؛ این که چه کسانی  
مقصرند ، بماند گرچه کم و بیش می توان مقصرانی را شناخت .. ولی به هر حال باید توجه داشت که حجاب  
دستور خداست و شکی نیست که دستورات خداوند هم همه به مصلحت بندگان است...

و الا خداوند متعال را چه نیازی به این مسائل است که رعایت شود یا نشود... گرچه اشکال دیگری که در  
این کار هست این که برخی فکر می کنند حجاب دستور حاکمیت است دستور دولت است گرچه خود  
کارگزاران هم گاه به شیوه ای عمل می کنند که این تلقی به ذهن متبادر شود...

گفتیم که مکتب عاشورا، مکتب اهتمام به حق الله و حق الناس است

شما در واقعه عاشورا می بینید که از خود امام حسین علیه السلام تا دیگران چگونه به نماز اهمیت میدادند

....

و این مطلب هم هست که با این که نماز حق الله است اما اگر حاکمیت به گونه ای حرکت کند که مردم  
از نماز هم فاصله بگیرند، در واقع این جریان به نوعی حق الناس است یا این که از جمله کارهایی که حاکمیت  
باید انجام دهد اقامه نماز هست به وجه معقول ، تا از این که مردم نسبت به نماز بی توجه شوند جلوگیری  
شود.

امام حسین علیه السلام صبح روز عاشورا ندا میدهد مبدا در سپاه من کسی باشد که بدهکار به مردم باشد  
و به کربلا آمده باشد .. به نوعی امام می خواهند بگویند که کربلا جای پاکان و صالحان و متقین است ... این  
موارد را باید توجه کنیم نه این که هر کار را الگو و سرمشق خود قرار دهیم...

حاجب شاعری است میگوید: حاجب اگر معامله حشر با علی است؛ من ضامنم، تو هر چه خواستی گناه کن ...

حاجب میگوید من شعر را سرودم و خوابیدم و امیرالمومنین را در خواب دیدم که به من فرمودند: شعر را اصلاح کن

و بگو:

حاجب! اگر معامله حشر با علی است

شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن .....

یا شاعری دیگری گفته است:

بنوشته چنین بر در فردوس خداوند

هر که علی دوست بود اهل بهشت است...

باید توجه داشته باشید ما نمی توانیم چنین نسخه هایی بیچیم ....

ما یک شیعه امام علی داریم و یک دوست امام علی داریم

شاعر می بایست می گفت هر که شیعه علی است اهل بهشت است

قرآن در ۷۰ موضع فرموده: ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات .... ایمان بسیار خوب است ایمان به کتاب و یا روز قیامت و .... آیا این ایمان کافی است؟ و یا برخی مداحان ما، بسیار مداحی های خوبی دارند اما گاه پای خود را از زنگیم خود درازتر می کنند... والبتة نظر و فتوا هم میدهند... این شبها که انسان در این مجالس عزاداری شرکت می کند باید شبهای محاسبه باشد ....

برخی مناسبتها و تعطیلاتی که می آید مردم خانه را گاه سالی یک یا دو بار تمیز می کنند سوال این است که آیا خانه دل نیاز به این تمیزکاری ندارد؟!

ایام عاشورا و تاسوعا و یا محرم که می آید ما باید یک سرک به درون خود بزنیم... اشکالی که متوجه ما است این که ما بجای این که وقتی گناه کردیم توبه کنیم، توجیه می کنیم...

تا این جای کار چند درس از عاشورا را بیان کردیم؛ درس جدیدی را که می خواهیم از عاشورا برایتان بیان کنم؛ اهمیت امر به معروف و نهی از منکر است... و ایستادن در برابر ظلم و فریاد زدن برای اقامه معروف است...

امام علیه السلام هم مثل بسیاری دیگر از انسان ها بین دو راهی قرار گرفت یا سکوت کند و ظلم بنی امیه را جواب ندهد یا این که قیام کند... و تفاوتی که بین یزید و معاویه بود این بود که هیچ کدام ایمان نداشتند اما یزید متجاهر به فسق بود که معاویه این گونه نبود... مادر یزید مدتی که گذشت یزید را برداشت و از کاخ

معاویه به همان روستای خودش رفت و یزید در یک محیط شبانی و با سگ و گوسفند و .... بزرگ شد و به عبارتی تربیت مدنی خاصی نداشت ..

ده سال امامت امام حسین در زمان خلافت معاویه است و امام علیه السلام اقدامی نمی کنند .... از شهادت امام حسن مجتبی تا قیام امام حسین ده سال میشود که این مدت امام قیامی علیه معاویه انجام نمی دهند ولی وقتی یزید می آید و منکرات را علنا انجام میدهد ، امام دیگر سکوت ر اصلاح نمی دانند ... به هر حال در این شرایط یا امام باید قربانی شود یا این که سکوت کند ....

مرحوم طبرسی در مجمع البیان ، در تفسیر آیه و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة ... میفرماید:

این مفسر بزرگ یک سوال مطرح می کند و آن این که اگر قرآن ، می گوید خود را با دست خود به هلاکت نیندازید، چرا امام حسین علیه السلام این کار را کرد؟ بعد خود او جواب میدهد: اول این که شاید امام خود حدس نمی زدند که به این شکل کشته می شوند و دیگر این که شاید امام این استنباط را داشتند که چه قیام کنند و یا نه ... کشته خواهند شد ...

و مرگ در راه خدا بسیار بهتر است از مرگ در رختخواب ...

منتها باید گلایه ای از این مفسر بزرگ داشت و آن این که به ایشان عرض کنیم: جناب طبرسی یک گزینه سومی هم هست چرا آن را بیان نمی کنید؟!

مسلم اسلام باید بماند اگر امام زمان هم باید قربانی قرآن و امر به معروف و نهی از منکر هم شود با ید قیام کند

مسلمان و غیر مسلمان می گویند اگر قیام امام حسین علیه السلام نبود معاویه اسمی از اسلامی باقی نمی گذاشت ...

مغیره بن شعبه می گوید وقتی معاویه را دیدم، متوجه شدم که او اصلا دین ندارد

ما اگر امروز نامی از رسول خدا و دین و ایمان داریم به خاطر جریان کربلا ست.

می گویند بهلول که زمان هارون الرشید برای خود، داستانهایی دارد میگویند در طواف کعبه خطاب به خداوند متعال می گوید خدای بزرگ کعبه زیبایی داری اگر پیامبر نبود دین تو به پا نمی شد و به مدینه میروید و به پیامبر عرض میکند اگر پسر عم تو علی علیه السلام نبود دین پایدار نمی ماند و به نجف میروید و به امام علی میگوید اگر پسر حسین نبود دین پا برجا نمیماند ...

من این جا میخواهم این نکته را عرض کنم که اگر سفرش را ادامه میداد می بایست به این حد اکتفا نکند و به این نتیجه برسد که اگر سخنرانی های زینب سلام الله علیها و امام سجاد علیه السلام نبود ، قیام امام حسین هم بی نتیجه می ماند ...

به هر حال با این که اگر امام علیه السلام قیام نمی کرد شهید نمی شد اما بحث این است که امر به معروف و نهی از منکری صورت نمی گرفت ...

واقعه عاشورا نشان داد که در راس هرم جامعه اسلامی، قرآن است و اسلام و اگر برای این دو باید امام زمان هم حتی قربانی شود، باید قربانی شود امیدواریم که خدای متعال ما را به معارف نورانی اسلام آشنا تر بگرداند ...

### ذکر مصیبت...

برخی از علمای سنی نوشته اند که جناب جعفر ابن ابیطالب در جنگ موته که یکی از جنگهای اسلام است به شهادت میرسد... خبر به مدینه می رسد و به پیامبر اطلاع میدهند که جناب جعفر به شهادت رسیده است... اسماء بنت عمیس همسر جعفر است می گوید من دیدم موقعی رسول خدا به منزل ما آمدند و بچه های مرا روی دامن گذاشتند و بوسیدند و اشک از چشمان پیامبر جاری شد، اسماء می گوید من فهمیدم و به رسول خدا گفتم آیا برای جعفر حادثه ای پیش آمده است؟ گفتند آری

بعد پیامبر اهل بیت را خبر کردند و سفارش کردند آل جعفر را تنها نگذارید... که مبادا مصیبت جعفر روی خانواده او اثر بگذارد

اما در حادثه کربلا کسی فرزندان اباعبدالله را روی دامن نگذاشت؛ کسی آن ها را نبوید کسی غذا برای آن ها درست نکرد؛ ...

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ وَ عَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ مِی سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ  
الَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَ اللّٰهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِی لِزِیَارَتِكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی ابْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی  
اَوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَصْحَابِ الْحُسَیْنِ